

# تصمیمات محاکم

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### در مورد استیناف از قرار تقسیط در دعوی اعسار

بموجب ماده ۳۷ قانون اعسار - کسانی که دارائی نداشته و یا دارائی آنها کافی برای تأدیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغل و حرقه خود بتوانند تمام یا قسمتی از بدهی خود را بپردازند محکمه در مورد محکوم به بادر نظر گرفتن مبلغ بدهی و عایدات بدهکار و همیشه ضروری او میزان ومدت وعده اقساطی را که باید داده شود تعیین خواهد کرد .

بموجب ماده ۲۶ اعسار - حکم رد یا قبول اعسار در مورد محکوم به قابل استیناف و تمیز است .  
بموجب ماده ۲۳۷ آزمایش - رأی محکمه با راجع بماهیت دعوی است کلیه یا راجع ببعضی مسائل که در حین رسیدگی به دعوی حادث و مطرح می شود - رأی محکمه در صورت اول حکم و در صورت دوم قرار نامیده می شود .  
حکمی از محکمه بدایت راجع بدعوی اعسار علیه مدعی صادر شده که مبنی بر تقسیط محکوم به بوده - محکوم علیه از حکم مزبور استیناف داده محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رای داده :

« نظر به آنکه مورد استیناف قرار تقسیطی است که محکمه ضمن تصدیق بر ضرر بودن مستأنف از پرداخت دقایق دین صادر نموده و این قرار از قرارهایی که طبق ماده ۸ قانون تسریع قابل استیناف باشد بنظر نمی رسد بنابراین عرض حال استینافی قابل رسیدگی نبوده و رد میشود...»

محکوم علیه از قرار مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۳۷۸۱۳۱۴ مورخ ۱۵/۲/۱۶ چنین رأی داده است :

« چون رأی محکمه بدایت راجع به تقسیط محکوم به و الزام مدعی اعسار بقادیه آن بالنسبه حکم بدم اعسار و راجع بماهیت دعوی اعسار میباشد و با توجه بماده ۲۳۷ قانون آزمایش قرار شناخته نخواهد شد بنابراین صدور قرار مورد شکایت با استناد اینکه قرار محکمه بدایت از قرارهای مذکور در ماده ۸ قانون تسریع بشمار نیامده و قابل استیناف نیست بر وفق قوانین موضوعه نبوده و باتفاق آراء نقض می شود...»

## تصمیم دیوان عالی تمیز

### در مورد خسارت پرداخت حق حکمیت

بموجب ماده ۱۲ قانون سابق حکمیت - حق الزحمه حکم بالسویه بعهده طرفین دعوی است و حق الزحمه حکم تجدید نظر بعهده در خواست کننده آنست .  
بموجب ماده ۳۱ قانون لاحق حکمیت - حق الزحمه

حکم اختصاصی بعهده طرفی است که او را معین کرده و حق الزحمه حکم مشترك بالمناصفه بعهده طرفین است با وجود این حکمها میتوانند در ضمن حکم خود تعیین تقسیم

نمیشود که حق حکمیت از خساراتی باشد که بتوان از محکوم علیه مطالبه نمود بلکه از ماده ۱۲ قانون منسوخ حکمیت خلاف این معنی مورد استفاده است زیرا از ماده مزبور معلوم میگردد که نظیر حق الزحمه خبره میباشد و چون در مورد خسارات بنظر محکمه امر توقیفی و محتاج به اجازه قانون بوده و در این مورد مستند قانونی برای مطالبه این خسارت موجود نیست و از قبیل تسبیب و اتلاف هم نبوده که مورد مشمول ماده ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی واقع گردد

بنابراین مدعی در مطالبه حق حکمیت بمنوان خسارت محکوم به بطلان دعوی است»

محکوم علیه از حکم مزبور مستدعی تمیز شده هیئت عمومی دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۴۱/۱۲۸۶۵ مورخ ۲۹/۱/۱۶ رای داده است که چون بر تشخیص و استنباط محکمه ایرادی قانوناً وارد نیست بنابراین حکم مورد تمیز بموجب ماده ۳۳۹ قانون اصول آزمایش با اتفاق آراء ابرام میشود.

مزبور را ترتیب دیگری مقرر کنند مگر آنکه بین آنها قرارداد خاصی باشد

بموجب ماده ۳۲۸ قانون مدنی - هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد.

بموجب ماده ۳۳۱ قانون مزبور - هر کسی سبب تلف مالی شود باید مثل یا قیمت آنرا بدهد.

کسی که در محکمه بدایت بمنوان پرداخت حق حکمیت که بر حسب تقاضای مدعی علیه دعوی ارجاع به حکمیت شده بوده از طرف خود مطالبه خسارت حق حکمیت مینماید محکمه حکم ضرر و خسارت مدعی را بابت حق حکمیت میدهد. محکوم علیه از حکم مزبور استیناف داده محکمه استیناف حکم مزبور را فسخ کرده و دیوان عالی تمیز پس از رسیدگی حکم مزبور را با استناد مواد راجع به تسبیب و خسارات ماده ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی نقض میکند شبهه دیگر محکمه استیناف مرکز چنین رأی داده است:

د نظر بانکه از قانون مربوط بخسارات استفاده

### تصمیم دیوان عالی تمیز

#### راجع بدعوی ناشی از قرارداد و صلحنامه و اختلاف در معنی آن

نسبت بان یک نفر از رأی خود داری کند با وجود این محکمه نسبت بان یک نفر نیز حکم عدم ثبوت دعوی صادر کرده است. دوم محکمه نسبت بدو نفر از مدعی علیهم نفیاً و اثباتاً رای صادر نکرده که این خود دلیل عدم مذاقه بمستندات بوده است.

و عمده استدلال محکمه این است که مدعی علیهم تمهیدی در موضوع پرداخت مدعی به که با استناد صلح - نامه مورد مطالبه واقع شده نکرده اند در صورتی که مدعی علیهم مزبور بر حکم محضری که علیه آنها و مدعی علیهم دیگر صادر شده بود اعتراض کرده اند و محکمه شرع آن دعوی را بصلح خاتمه داده و یک قسمت از مال الصلح را بعهده مدعی علیهم این دعوی قرار داده است.

بموجب ماده ۳۴۴ اصول محاکمات آزمایش - اگر در دعوائی که از قراردادی ناشی شده به قاضی صلح سند و یا بقانون و نظامنامه متعلق به آن قرار داد معنی دیگری داده شود حکم صادر در آن مخصوص نقض میشود حکمی از محکمه بدایت بر بیحقی مدعی که بر چند نفر با استناد صلح نامه اقامه دعوی کرده بود صادر میشود - محکوم علیه بر حکم مزبور در مرحله استینافی اعتراضاتی کرده:

محکمه استیناف پس از رسیدگی چنین رأی می دهد: «اعتراضات و کیل مستاتف یکی این است که در جلسه اخیر محاکمه او و یک نفر از مدعی علیهم اظهار داشته اند که چون در خارج مذاکرات اصلاحی در جریان است

اعتراضات مزبور وارد نیست زیرا هر چند در يك جلسه به عنوان آنکه با یکی از مدعی علیه مذاکرات اصلاحی در خارج بعمل آمده و بنا شده که در محضر بصلاح خاتمه یابد تقاضای رسیدگی نشده لیکن در جلسه های بعد بطور اطلاق و عموم نسبت به مدعی علیه تقاضای رسیدگی شده است بنابراین این از این حیث بر حکم محکمه اشکالی نیست و عدم اصدار رأی نسبت به دوفتر از مدعی علیه موجب فسخ حکم نمیشود و آنچه از گزارش محکمه شرع در زمینه صالح دعوی مورث مدعی بر مدعی علیه دیگر استفاده میشود این است که دعوی مزبور بمبلغی صالح شده و در آن اشعار بدخالت چند نفر از مدعی علیه این دعوی در قبول تادیه مال الصلح نیز شده بدون آنکه معلوم شود تأدیه مال الصلح بین آنها بچه نسبت بوده بدیهی است گزارش محکمه شرع نسبت به غیر از اشخاصی که دخیل در دعوی محضری بوده رسمیت نداشته و فقط بعنوان صالح نامه نزد حکام شرع تلقی میشود و چون با انکار مستأنف علیه نسبت بصلح مزبور و عدم ارائه صالح نامه که معلوم شود مشارالیهم آنرا قبول و امضاء کرده اند و اینکه قبولی آنها نسبت بچه مبلغ بوده نمیتوان این گزارش را دلیل ملزم بودن مستأنف علیه بتادیه مبلغی که بر آنها ادعا شده دانست چنانکه دعوی مورث مدعی بر مدعی علیه دیگر (بدون توجه دادن به مدعی علیه این دعوی) که بصلاح خاتمه یافته دلیل بر این است که مورث مدعی طرف صالح را گسان دیگر غیر از مدعی علیه این دعوی میدانسته و صالح نامه استنادی مستأنف که میان مدعی علیه آن دعوی با این مدعی علیه راجع به ترکه و دیون مورث آنها سابقاً منعقد شده و بموجب آن مدعی علیه این دعوی ملزم بتادیه مقداری از دیون مورث آنها شده اند قابل استناد نمیشود زیرا طبق مدافعات مستأنف باینکه اولاً دعوی مورث این مدعی بر مدعی علیه دیگر بعنوان دین مورث آنها نبوده تا شامل قرار داد و صلح نامه میان این چند نفر بشود - ثانیاً بموجب همان صلح نامه بایستی مدعی علیه این دعوی جانب بدعوی شده باشند ثالثاً مشارالیهم تهدید دینی

در آن صلح نامه کرده اند که مورد تصدیق عموم مدعی علیه آن که طرفهای صلح هستند باشد آنها با صدور حکم قطعی محکمه - بنابراین بالتبیین بر حکم مورد استیناف اشکالی متوجه نیست و تایید میشود...

محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۱۵۸/۱۳۴۲۶ مورخ ۲۹/۱۶/۱۳۴۲ پس از رسیدگی چنین رای داده است :

حکم محکمه استیناف مبنی بر بیخفی مدعی ملاحظاً مستند است بر اینکه صلح مورث مدعی علیه او که بادخالت مدعی علیه این دعوی بوده از نقطه نظر عدم ورود آنها در اعتراض به حکم محضری نسبت بانها رسمیت نداشته و بمنزله سند تقاضایی در نزد حکام شرع بوده و با انکار مدعی علیه و عدم ارائه اصل و معلوم نبودن میزان قبولی آنها نمیتوان آنرا موجب التزام مدعی علیه بتادیه مدعی به دانست و صلحنامه منتظمه میان مدعی علیه بدوی و مدعی علیه این دعوی که حاکی از التزام ایشان به تادیه مبلغی از دیون مورث آنها است چون دعوی مورث مدعی بعنوان این مورث مدعی علیه آن دعوی نبوده مضافاً بر اینکه مورد تهدید دینی است که مورد تصدیق عموم ورثه و با حکم قطعی باشد قابل استناد نمیشود - استدلال مزبور صحیح بنظر نمیآید چه آنکه اولاً صلح نامه مزبور مبنی بر دین سهم دین مدعی علیه در ترکه مورث مدعی علیه آن دعوی بالتزام اینها بتادیه مقداری از دیون مورث آنها اقتضاد دارد که دشاری بر مورث آنها به نسبت سهام خود از ترکه متوجه تمام احیاناً سهم شود - ثانیاً دخالت مدعی علیه در مصالحه دعوی مورث مدعی ببلوغ... یا تعیین قسمتی از ترکه در قبال مال الصلح مزبور و امضاء آنها مصالحه نامه را ظاهر است در قبول و التزام آنان به تادیه قسمتی به نسبت سهم اختصاصی خودشان از وجوه مزبور و عدم ابراز اصل مصالحه نامه که بر حسب نامه های دفتر محکمه شرع در آنجا بایگانی و در دسترس و کیل مدعی نبوده و با مصدق بودن رونوشت ابرازی که دعوی عدم تطابق نسبت بان نشده مضر نبوده از این جهت نظر

محکمه مبنی بر دلیل مثبت نبودن مصالحه نامه مزبور غیر  
موجه و اعتراض و کیل مستدعی تمیز از این جهت وارد  
است و محکمه میبایستی با توجه بمناد مدارک ابرازی و کیل  
مدعی حکم مقتضی را صادر نموده باشد - بنابراین حکم  
محکمه استیناف طهران مخدوش و مطابق ماده ۳۴۴ قانون  
آزمایش باتفاق آراء نقض میشود . . . . .

بموجب ماده ۲۰ قانون اصول آزمایش - قیمت  
مدعی به مبلغی است که در عرض حال قید شده و این قیمت در  
تعیین صلاحیت محکمه و مخارج محاکمه مؤثر است .  
بموجب ماده ۴۱ آزمایش - مدعی پیش از جلسه  
اول میتواند میزان مدعی به را کم یا زیاد کند .  
از دو ماده مزبور چنین مستفاد میشود که مدعی  
بهی که در عرض حال تعیین شده و تاروی پیش در جلسه  
تعمیری در آن از طرف مدعی تقاضا نشده دیگر قابل تغییر  
نیست و اصولاً هم نباید حکم نسبت بزائد بر مدعی به صادر  
شود .

## تصمیم دیوان عالی تمیز در مورد حکم بزائد بر مدعی به و در مورد تهاتر

بموجب ماده ۲۰ قانون اصول آزمایش - قیمت  
مدعی به مبلغی است که در عرض حال قید شده و این قیمت در  
تعیین صلاحیت محکمه و مخارج محاکمه مؤثر است .  
بموجب ماده ۴۱ آزمایش - مدعی پیش از جلسه  
اول میتواند میزان مدعی به را کم یا زیاد کند .  
از دو ماده مزبور چنین مستفاد میشود که مدعی  
بهی که در عرض حال تعیین شده و تاروی پیش در جلسه  
تعمیری در آن از طرف مدعی تقاضا نشده دیگر قابل تغییر  
نیست و اصولاً هم نباید حکم نسبت بزائد بر مدعی به صادر  
شود .  
بموجب ماده ۲۹۴ قانون مدنی - وقتی دو نفر در  
مقابل یکدیگر مدیون باشند بین دیون آنها بیکدیگر  
تهاتر حاصل میشود .  
حکمی از محکمه بدایت به حکومیت مدعی علیه با استناد  
قرارداد بتأدیه یکصد و پنجاه هزار کبسول لیموناد مقوم  
بهفت هزار و پانصد ریال و مبلغی بابت خسارت تأخیر  
تسلیم مبیع و سایر خسارات صادر میشود - محکوم علیه  
از حکم مزبور استیناف داد - محکمه استیناف پس از  
رسیدگی چنین رأی داده است :  
« هر چند اعتراضات معترض راجع به تکذیب دعوی  
و عدم توجه دعوی و عدم مشروعیت معامله و غیره بنظر  
موجه نمیرسد چه با اعتراف تلویحی بصحت مستند و قرارداد  
مدرک که در جریان بدوی و قبول دعوی از طرف و کیل  
معترض ایرادات مزبور موقعیتی نخواهد داشت و معامله  
هم از نظر قوانین اشکالی نداشته لیکن اصولاً نظر به آنکه  
مدعی به بدوی مقدار معین کبسول لیمونات و مبلغ معین  
بابت وجه التزام تا تاریخ عرض حال و خسارت محاکمه  
بوده و بعداً هم تنها جلسه اول مدعی بسر مدعی به خود  
چیزی نیفزوده بنابراین احتساب وجه التزام تا تاریخ  
صدور حکم از طرف محکمه برخلاف مطالبه مدعی بوده -  
بهلاوه تهاتر محکمه وجه التزام حساب شده را بضمیمه  
خسارات در قبال بقیه قیمت کبسولهای مورد معامله موقعیت  
نداشته زیرا بر طبق قرارداد بقیه قیمت را وقتی باید مدعی  
بدهد که کبسولها را تحویل گرفته باشد و بیش از این  
تهاتر صورت قانونی ندارد و مضافاً به آنکه بقیه ثمن  
کبسولها از طرف مدعی علیه مورد مطالبه واقع نگردیده  
بنابراین حکم محکمه بدایت فسخ و معترض محکوم می  
شود بتأدیه کبسولها طبق قرارداد و مبلغ . . . . . بابت وجه  
التزام و تخلف شرط تا تاریخ تقدیم عرض حال که در موقع  
قانونی مطالبه شده و مبلغ . . . . . بابت خسارات وجه التزام  
پس از تاریخ عرض حال بدوی موکول بمطالبه و رسیدگی  
جداگانه است و بقیه وجه کبسولها را نیز معترض میتواند  
مطالبه نماید » - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته  
دیوان عالی تمیز پس از رسیدگی چنین رأی داده است :  
« حاصل اعتراض مستدعی تمیز این است که چون  
از موعد تسلیم کبسولها مدتی گذشته و بایع آنها را تسلیم  
نموده بوده محکمه بدوی باین جهت او را محکوم به  
تسلیم عین مبیع کرده و از بابت خسارت تأخیر بتهاتر قائل  
شده و مطالبه ابتدائی از تجدید مطالبه بعدی کافی میباشد -

بموجب ماده ۲۰ قانون اصول آزمایش - قیمت  
مدعی به مبلغی است که در عرض حال قید شده و این قیمت در  
تعیین صلاحیت محکمه و مخارج محاکمه مؤثر است .  
بموجب ماده ۴۱ آزمایش - مدعی پیش از جلسه  
اول میتواند میزان مدعی به را کم یا زیاد کند .  
از دو ماده مزبور چنین مستفاد میشود که مدعی  
بهی که در عرض حال تعیین شده و تاروی پیش در جلسه  
تعمیری در آن از طرف مدعی تقاضا نشده دیگر قابل تغییر  
نیست و اصولاً هم نباید حکم نسبت بزائد بر مدعی به صادر  
شود .  
بموجب ماده ۲۹۴ قانون مدنی - وقتی دو نفر در  
مقابل یکدیگر مدیون باشند بین دیون آنها بیکدیگر  
تهاتر حاصل میشود .  
حکمی از محکمه بدایت به حکومیت مدعی علیه با استناد  
قرارداد بتأدیه یکصد و پنجاه هزار کبسول لیموناد مقوم  
بهفت هزار و پانصد ریال و مبلغی بابت خسارت تأخیر  
تسلیم مبیع و سایر خسارات صادر میشود - محکوم علیه  
از حکم مزبور استیناف داد - محکمه استیناف پس از  
رسیدگی چنین رأی داده است :  
« هر چند اعتراضات معترض راجع به تکذیب دعوی  
و عدم توجه دعوی و عدم مشروعیت معامله و غیره بنظر  
موجه نمیرسد چه با اعتراف تلویحی بصحت مستند و قرارداد  
مدرک که در جریان بدوی و قبول دعوی از طرف و کیل  
معترض ایرادات مزبور موقعیتی نخواهد داشت و معامله  
هم از نظر قوانین اشکالی نداشته لیکن اصولاً نظر به آنکه

این اجراض وارد نیست زیرا در عرض حال بدوی فقط مقدار ۰۰۰۰۰ کیسول و مبلغ ۰۰۰۰۰ وجه خسارت تأخیر تسلیح مسیح مطالبه شده است با تمام سایر خسارات که محکمه استیناف نیز همان مدعی به را مورد حکم قرار داده و حکم کردن از این بر میزان مدعی به اصولاً قانوناً جایز نیست نه از طرف محکمه بدوی مورد نداشته چه تهاثر

طبق ماده ۲۹۴ قانون مدنی وقتی مورد خواهد داشت که دین و اشتغال ذمه طرفین نسبت بینکدیگر مسلم باشد و طبق قرار داد استنادی خود مستدعی در موقع صدور حکم بدوی این معنی تحقق نداشته است . بنابراین حکم مورد استدعا خالی از اشکال و بانافی آراء ابرام میشود .

### تصمیم دیوان عالی تمیز در مورد تقاضای اعاده محاکمه جزائی

بموجب جزء (۳) از ماده ۴۶۶ اصول محاکمات جزائی - یکی از موارد اعاده محاکمه احکام قطعی محاکم موردی است که ثابت شود مقصر بتقصیر بوده یا آنکه جزائی که برای او معین شده بواسطه اشتباه حکام عدلیه قانوناً متناسب با تقصیر او نیست .

در مورد تقاضای اعاده محاکمه از طرف متهمی که بجرم خیانت در امانت محکوم به ۶۵ روز حبس تأدیبی (ایرام شده در دیوانعالی تمیز) گردیده - با استناد آنکه طبق جزء ۳ از ماده ۴۶۶ اصول محاکمات جزائی اولاً دلائلی در اداره ۰۰۰۰۰ موجود است که بی تقصیری او را در قضیه که محکوم شده ثابت مینماید و چون دلائل مزبور در دسترس او نمیباشد دیوان تمیز برای تحصیل آ دلائل تصدیقی باز بدهد ثانیاً بر فرض که صدور جرم مورد حکم از او محرز باشد چون موهیات تخفیف مجازات در باره او موجود بوده محکمه حاکمه در تعیین

مجازات تخفیف را بحدی که مقتضی بوده منظور نداشته و بالنتیجه مجازات معینه در حکم با تقصیر او متناسب نیست دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۴۳۸ ر ۹۵۷۱ مورخ ۱۶۲۲۹۹ چنین رأی داده است :

« نظر به آنکه از طرف مستدعی اعاده محاکمه هیچگونه دلیلی که مطابق قسمت اول از جزء سوم ماده ۴۶۶ اصول محاکمات جزائی موجب تجویز اعاده محاکمه گردد ارائه نشده و دادن تصدیق باو برای بدست آوردن دلائل ادعائی قطع نظر از آنکه در امور جزائی مررد ندارد بز هر تقدیر از تکالیف دیوان تمیز محسوب نمی شود و با ابرام حکم محکومیت او سابقاً در دیوان تمیز مورد با قسمت ۳ از ماده مزبوره قابل انطباق نخواهد بود وبالجمله چون تاکنون موجب قانونی برای قبول استدعای او بتجویز اعاده محاکمه موجود نشده بنابراین این تقاضای او بانفاق آراء ارد میشود .۰۰۰۰۰»

### تصمیم دیوانعالی تمیز

#### در مورد عدول محکمه از حد اکثر مجازات بدون ذکر رعایت تخفیف

کسی باتهام سرقت مسلح و قاچاق اسلحه مورد تعقیب یار که بدایت واقع و محکمه جنائی بعنوان آنکه از مندرجات پرونده و دلائل مذکور در ادعانامه ارتکاب متهم بسرقت و کشف اسلحه از منزل او در نظر محکمه

محرز گردیده ولی اقراران سرقت بداشتن اسلحه در نظر محکمه محرز نشده بر طبق ماده ۲۲۶ قانون مجازات عمومی متهم را از جهت سرقت به ۸ ماه حبس تأدیبی از جهت قاچاق اسلحه بر طبق ماده ۴۳ و ۴۵ قانون قاچاق

اعتراض مدعی العموم استیفاء باینکه موافق دلایل مذکور در لایحه متهم در حین ارتکاب سرقت مسلح بوده نیز راجع به ماهیت امر است که در مرحله تمیزی رسیدگی نمی شود. لیکن با آنکه در نظر محکمه تعدد جرم متهم محرز گردیده و بدون (ذکر) رعایت تخفیف از تعیین حد اکثر مجازات عدول نموده و او را به ۸ ماه حبس نسبت به سرقت و سه ماه نسبت به قاچاق محکوم کرده حکم مخدوش و با اتفاق آراء نقض می شود. ....

نیز به سه ماه حبس تأدیبی محکوم کرده است - متهم و مدعی العموم از حکم مزبور تمیز خواسته و دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۶۱۱۷ ر ۴۴۸ مورخ ۱۶ ر ۳۰ پس از رسیدگی چنین رأی داده است :

« اعتراض متهم مربوط بانکار ارتکاب او راجع به ماهیت امر است و اینکه محکمه قضیه را جنحه بعمل نیامده با ملاحظه اینکه اتهام جنائی بوده و مقدمات و تشریفات لازمه تشکیل محکمه جنائی بعمل آمده وارد نمیباشد و

### تصمیم دیوان عالی تمیز

#### در مورد اعتراض بر ثبت از طرف اداره اوقاف

او را بعنوان آنکه در مدت مقرر اعتراض بر ثبت ننموده رد کرده است .

اداره مزبور از قرار رد عرض حال مزبور مستدعی تمیز شده - دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۱۳۵۱۰ ر ۴۴۴ مورخ ۱۶ ر ۳۰ چنین رأی داده است :

« اعتراض مستدعی تمیز باینکه دخول اداره اوقاف در این دعوی با استناد ماده (۵) قانون اوقاف مصوب دیماه ۱۳۱۳ میباشد و نظر محکمه استیفاء مخالف صریح قانون مذکور است - وارد نیست زیرا ماده مزبور دلالت بر اینکه اداره اوقاف بتواند بعد از گذشتن مدت اعتراض بر ثبت در دعوائی که دو طرف بعنوان مالکیت محاکمه دارند دخالت کند ندارد بنابراین قرار مزبور با اتفاق آراء ابرام میشود. ....»

بموجب ماده ۵ قانون اوقاف مصوب دیماه ۱۳۱۳ اداره اوقاف در موقوفات عامه که نظارت دارد حق تقاضای ثبت و اعتراض بر آن و اقامه دعوی دارد .  
 اداره اوقاف طهران از اطلاق ماده مزبور استفاده کرده و در موضوع تقاضای ثبت دکانی از طرف دو نفر بعنوان ملکیت که در موعد قانونی از طرف دو نفر دیگر مورد اعتراض واقع شده و محکمه بدایت معترضین را محکوم ببطال دعوی کرده و دو نفر محکوم علیه استیفاء داده محکمه استیفاء حکم بدوی را غیاباً تأیید کرده و دو نفر محکوم علیه بر حکم مزبور اعتراض کرده اند - در این مرحله اداره مزبور بعنوان دخول ثالث وارد دعوی شده و سه دانگ از مورد تقاضای ثبت را ثلث دانسته - محکمه استیفاء پس از رسیدگی با اعتراض معترضین حکم غیابی را تأیید کرده و نسبت بدعوی اداره اوقاف عرض حال